



نگاه کنید آیا این همان حجابی نیست که سالها به عنوان نشانه نجابت و پاکی به خورد من و همجنساتم داده اند؟ حال که این پوشش بر سر یک مرد می رود نشانه توهین، تحقیر و مجازات او قلمداد می شود آیا حقیقت همین جا نیست؟ ما زن ها را سی سال توهین تحقیر و مجازات کرده اند و اسمش را نجابت و پاکی گذاشته اند، دم خروس را باور کنیم یا قسم حضرت عباس را

حجاب اسلامی یا دم خروس



سال هاست که مروجین دینی، حجاب اسلامی را به مثابه ارزش زنانه تبلیغ و تفسیر می کنند. به همین ترتیب سی سال است که این ارزش زنانه اسلامی به اجبار و با شلاق و جریمه به زنان ایران تحمیل شده است. در بی ارزشی این نوع پوشش به عنوان امتیازی مینی بر برتری انسانی شکی ندارم. هدف از تحمیل پوشش، تحقیر ارزش های زنانه و کنار راندن زنان از عرصه فعالیت های اجتماعی و در نهایت به بند کشیدن این نیروی بزرگ انسانی است. حجاب، آن هم از نوع اجباری اش، قدرت و گستاخی مردان بر علیه زنان را ثابت می کند. استثمار جنسی در همه عرصه های اجتماعی، سیاسی قابل لمس و شناخت بر همگان است.

در جامعه ما سال هاست که فرهنگ مردانه به تحمیل حجاب اجباری پرداخته و هویتی کاذب را به همراه تحقیر از بالا و از مقام برتر مردانه بر زنان اعمال کرده اند. صاحبان قدرت به اسم داشتن آبرو و حثیت، زنان را به بندگی مردان واداشته اند. می توان درک کرد که غالب کردن این پوشش اجباری و تحمیل یک هویت ساختگی به زنان با پوشش اسلامی، تا چه اندازه می تواند زخم های عمیقی را بر روح و روان هر انسان مستقل و آزاد بگذارد. هیتلر در بازداشتگاه های مخوف خود همان طور که در فیلم ها هم گاه گذاری نشان داده می شود، موهای زندانیان را از ته می تراشید. با این کار شکل ظاهری آن ها را عوض می کرد و شکلی را که خود می خواست به آنها می داد. هدف او تحقیر و ناشایست نشان دادن این انسان ها برای حقوق حقه خود بود.



در ایران رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی نیمی از مردم ایران را بلافاصله بعد از انقلاب با ابزار حجاب اجباری به بی حقوقی کشاند. زن ها حتی حق انتخاب شکل ظاهر خود را از دست دادند. داشتن آبروی بیشتر با نا مرئی شدن بیشتر زنان در عرصه اجتماعی همراه شد. بکار بردن زور و خشونت ضامن اجرائی این « آبروی » اجباری شد. همه گفتند بگذریم مسائل مهمتر داریم که اول باید در جهت احقاق آنان تلاش کنیم و چادر و مقنعه همچنان دست و پای زنان و دختران را در هم پیچید، از دختر بچه پنج ساله تا پیرزن و یا ناقص العضو و حتی ناقص العقل باید به انجام این بندگی تن می دادند فرق نمی کرد گرمای چهل درجه باشد و یا هر مکان بی ربط کاملاً زنانه، قانون باید اجرا می شد. حجاب اسلامی دامنه خود را در انتخاب رنگ، مدل لباس، نوع کفش و ... گسترش می داد و انعکاس این اعمال ضد بشری به تنفر از این تحقیر تبدیل شد که نمود خود را در آرایش های غلیظ و رفتارهای افراطی در زندگی معمولی و واقعی نشان می داد. زنان و دختران به تنگ آمدند، درد زیاد بود اما عیب ندارد اینهم یکیش. گردن کلفتان جهل و زور کار را به جایی رساندند که در حرف هایشان از زن و لباس زنانه به عنوان فحش استفاده می کردند، مثلاً اگر فردی «ناقابل» و به عبارتی بهتر مخالف آنان بود باید لباس زنانه می پوشید و در خانه می نشست. با همان ابزار حجاب اسلامی که به اسم « آبرو » حقوق زنان را پایمال کرده بودند، حال به عنوان فحش در میان « مردان » بکار برده می شد و از آن بدتر نمی دانم این از کدام اندیشه ضد بشری، ضد زن بر می آید که به عنوان مجازات « مجرمان » به آن ها که اتفاقاً مرد هم هستند لباس زنانه بپوشانند و در شهر بگردانند. از طرف دیگر میتوان فکر کرد ساکنان آن شهر صاحب چه موقعیت و دانشی هستند که در مقابل این کار سکوت کنند.



این روز ها رژیم جمهوری اسلامی دم خروسش بیش از هر زمان دیگر در منظر دید مردم قرار گرفته است. هر آنچه به عنوان توهین و تحقیر به نام ارزش و نجابت، در عرض سی سال به زنان ایران تحمیل کرده اند، حال به عنوان تنبیه بر تن مجید توکلی این دانشجوی زندانی کرده اند. پس قضیه روشن است، این حرفها بهانه است و دروغی گزاف. زنان فقط به خاطر زن بودن شان سی سال است که در حالت تنبیه و تحقیر مدام بسر می برند تا «آقایان» خوب بچایند و خوب بزدند و خوب دیگران را که زن هستند به خدمت خویش در آورند. آری در قاموس اینان «مردان» پول در می آورند زنان در خانه می نشینند و کارهای خانگی را می کنند. تا هیچ آفتاب و مهتابی آن ها را نبیند، زهی بی شرمی!!! برعکس زنان ایران در این سی سال هوش و برتری و ستیز خود را در رابطه با آنچه رژیم ضد بشری و ضد زن جمهوری اسلامی تعریف می کند نشان داده اند. انتخاب لباس به عنوان یک پوشش حق طبیعی، فردی و شخصی هر کس است. قرار دادهایی چون زنانه، مردانه ساخته ما انسانهاست و برداشته شده از آنچه در تفکر خود داریم. ما همه انسان هستیم در هیئت های متفاوت. همچنان که استعداد و هوش انسانها زنانه و مردانه ندارد. ما می توانیم با زیر پا نهادن قراردادهای





ظالمانه و تبعیض آمیز تبدیل به انسانهای برابر لاقبل در زمینه جنسیت خود باشیم. نوع پوشش، شکل زندگی و سلیقه ها و نحوه تفکر می تواند در رابطه با هر فرد انسانی متفاوت باشد. این همان است که در قاموس مرتجعان جمهوری اسلامی نمی گنجد. چطور؟؟ یک زن، مگر میتواند زن دیگر را دوست داشته باشد و یا بالعکس! تخطی از قراردادهای و سنن موجود همیشه عواقب بدی را در جوامع مستبد و غیر دمکراتیک دارد و نقض این قراردادها با مجازات های سخت و وحشیانه پاسخ داده می شود. جداسازی جنسی در جامعه یک عمل غیر انسانی است که نوک تیز حمله آن باز هم متوجه زنان است، مرد بعنوان جنس اول و زن به عنوان جنس دوم در یک جامعه پدر سالار که جمهوری اسلامی نوع افراطی آن را یدک می کشد پس راندن نیروی زنان از صحنه اجتماعی است. به همین دلیل هم هست که ستم مضاعف در کشور ما نه تنها نتوانسته زنان ایران را از عرصه جامعه و مبارزه عقب براند بلکه زنان ایران با گذشت زمان رادیکال تر و پرانرژی تر به مبارزات اجتماعی و سیاسی کشانده شده اند. به همین ترتیب امروزه علاوه بر زنان، شاهد تکامل فکری مردان در زمینه ضرورت برابری جنسی در جامعه هستیم. هر چند هنوز کشور ما فاصله زیادی را برای رسیدن به جایگاه مطلوب خود باید طی کند

من در تصویر مجید توکلی توهین به حقوق انسانی او را به همان اندازه می بینم که در قیافه همجنسان خود که به زور سالها این پوشش را برتن آنها کرده اند. تنها تفاوت امر این است که تصویر مجید توکلی فاقد نکته گمراه کننده آن یعنی نجیب بودن، پاک بودن زنانه است. تنها و به شکلی عریان توهین، تحقیر و تنبیه را با ابزار چادر و مقنعه در معرض دید قرار می دهد. من از شما مردان، مردان برابری طلب سوالی دارم فکر می کنید با به تن کردن حجاب اجباری در عرض این سی سال، زنان کمتر از آقای توکلی رنج برده اند؟ با درک رنج زنان در عرض این سی سال می شود فهمید اجبار در حجاب اسلامی و اعمال خشونت در به اجرا در آوردن آن به همه انسان ها آسیب می رساند، این عمل زن یا مرد نمی شناسد و نهایتا بستگی به شخصیت، دانش و نحوه نگرش هر فرد دارد. به یاد بیاورید هما دارایی را که دکتر روانشناس بود بخاطر همین توهین و تحقیرهای حجاب

اسلامی بود که خود را در یکی از میدان های شهر تهران آتش زد

من از همه مردانی که حجاب و پوشش زنانه به تن کردند و تصویر خود را در اینترنت برای تسلی مجید توکلی و زنان انتشار داده اند ممنونم بلاخره عکس العملی است. اما باشد تا آن روزی که همگی پوشش اجباری را، همه در کنار هم در میدان های شهر به آتش بکشیم. خطاب من در این مقاله به زنانی نیست که این پوشش را به اختیار برگزیده اند مطمئنا آنها رضایت خود را از داشتن این پوشش می برند اما هرگاه که این معتقدان به حجاب در جهت فشار جسمی یا روانی به اطرافیان خود مبنی بر داشتن حجاب بر آیند همان وقت این حجاب پیشنهادی و یا بهتر بگویم اجباری تبدیل به وسیله تنفر آمیزی می شود که هدفی جز پایمال کردن حقوق فردی انسانها ندارد. سرنگونی جمهوری اسلامی و بر چیده شدن این حکومت جهل و زور اولین و نزدیکترین هدف انسانهای آزاده است اما اصل قضیه به سرنگون کردن و از بین بردن تمام افکار ارتجاعی و عقب مانده بر میگردد، اصولی که با ریسمانهای مرئی و نامرئی اش انسانها را به بند کشیده است. هر مدرسه در یک سیستم اجتماعی به مثابه یک سلول قوی و پویا است که بدنه جامعه و کشور به آن نیاز میلیونی دارند. سرنگونی افکار موهوم و خرافاتی به بالا بردن سطح فرهنگ و نگرش درست اجتماعی مردم کمک می کند، نگرشی که هیچ احمدی نژادی با هیچ رشوه ای قادر به تحمیل حيله های سیاسی اش نخواهد بود

سودابه اردوان

استکهلم

۱۴-۱۲-۲۰۰۹

www.soudabe.com

soudabehsa@hotmail.com